

کدهای رفتاری و پیشگیری از بزهکاری

محبوبه منفرد ✉

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی

امیر حسین جلالی فراهانی

پژوهشگر و کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی

چکیده:

مبارزه با بزهکاری از دیرباز یکی از دغدغه‌های اصلی بشر بوده و داشتن جامعه‌ای عاری از لوث هنجارشکنی‌های زیان‌بار، از آرمان‌های بلندش به‌شمار می‌آمده است. در این راه، تاکنون انواع تدبیرهای کنشی و واکنشی آزموده و اجرا شده‌اند. لیکن همواره بازدهی مطلوب راهکارهای رویارویی با بزهکاری‌ها مورد توجه قرار گرفته است. به همین منظور، چه با نگاه کنش‌مدارانه و چه واکنشی، آن دسته از عوامل بزه‌آفرین نشانه‌گیری می‌شوند که نقشی حیاتی در پیدایش بزهکاری دارند و با برچیده‌شدن آنها، از شکل‌گیری دیگر عناصر فرایند جنایی و وارد آمدن زیان‌های گوناگون به بزه‌دیدگان و آماج‌های بزه جلوگیری می‌شود. در این نگاه، انگیزه و آگاهی جنایی، به عنوان سرچشمه بزهکاری و اولویت اصلی نظریه‌پردازان و برنامه‌ریزان سیاست جنایی شناخته شده‌اند. چنانچه بتوان این عناصر را از بین برد، راه برای شکل‌گیری وضعیت جنایی و تحقق رخداد جنایی بسته می‌شود. برای هدف‌گیری این عناصر، راهکار مطلوبی که امروزه در دستور کار نظام‌های پیشگیری از بزهکاری قرار گرفته، کدهای رفتاری است که با یادآور شدن پیامدهای بزه برای کنشگران آن، نقش بسزایی در تحقق اهداف این حوزه ایفا می‌کنند. لیکن رسیدن به این دستاورد نیازمند شناسایی جایگاه، کارکرد، سازوکارها و شرایط حاکم بر تدوین و اجرای این ابزارها و همچنین محدودیت‌ها پیش‌روی آنهاست. در غیر این صورت، ممکن است پیامد ناروا داشته باشند و بزهکاران بالقوه را با انگیزه و توانایی بیشتری رهسپار فرایند جنایی کنند.

کلید واژه‌ها: کدهای رفتاری، پیشگیری، پیامدهای بزهکاری، پیشگیری اجتماعی، پیشگیری وضعی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۸

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

Mahboubeh.monfared@gmail.com

الف) ارادی بودن بزهکاری: رکن تحقق بزهکاری

شاید برای بشر امروز باور این موضوع دشوار باشد که یکی از دستاوردهای نظام حقوق کیفری نوین در رویارویی و پیروزی بر نظام‌های حقوق کیفری پیشین، رسمیت بخشیدن به اراده، قصد، خواست و اندیشه^۱ بزهکاران به عنوان رکن اصلی رخداد جنایی بوده است. تا پیش از آن، نه تنها موجودات بی‌اراده و حتی اشیاء به کیفر می‌رسیدند، بلکه در احراز مسئولیت کیفری انسان‌ها این عنصر معنایی نداشت و صرف رفتار مبنای کیفر قرار می‌گرفت (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۴: ۱۸). حال آنکه هم‌اینک این عنصر از جایگاهی در نظام مسئولیت کیفری برخوردار شده که از رفتار جنایی یا عنصر مادی جرم نیز پیشی و مبنای بسیاری از عوامل مانع و رافع مسئولیت کیفری نیز قرار گرفته است. لذا گزاره نیست اگر در نظام حقوق کیفری نوین چنین ادعا شود که تا عنصر معنوی جرم احراز نشود، موجبی برای ورود به عنصر مادی جرم وجود ندارد.

علاوه بر این، اجزای تشکیل‌دهنده عنصر معنوی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در تنظیم فرایند کیفری ایفا می‌کنند. انگیزه^۲، به عنوان یکی از اجزای اصلی این عنصر، در تشدید و تخفیف کیفرها به کار می‌آید و پس از احراز قصد و اراده جنایی برپایه اندیشه شکل‌یافته در ذهن مرتکب، انگیزه او از روآوری به چنین جنایتی برای تعیین نوع و میزان کیفر مورد توجه قرار می‌گیرد^۳. برای مثال، آیا آدمکشی با انگیزه انتقام بوده یا سودجویی یا باورهای مذهبی؟ بدیهی است قصد و اراده در همه جنایات تقریباً یک شکل دارد، اما شکل‌گیری انگیزه جنایی به عوامل و عناصر خاص خود بستگی دارد و از محیط و کنش و برهم‌کنش اطرافیان پدیده جنایی، بویژه بزه‌دیده تأثیر قابل‌توجهی می‌بیند^۴. همچنین، عوامل محیطی و فردی

1. Intention

2. Motive

۳. آنچه‌ان که در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ انگیزه به عنوان یکی جهات تخفیف مجازات برشمرده شده بود. این مؤلفه در بند «۳» ماده ۳۷ لایحه جدید قانون مجازات اسلامی نیز پیش‌بینی شده است.

۴. برای خواندن مطالب بیشتر درباره تأثیرگذاری بزه‌دیده بر روی اندیشه بزهکاری ر.ک. رایجیان اصلی، مهرداد؛ ۱۳۹۰؛ بزه‌دیده‌شناسی؛ جلد نخست: تحولات بزه‌دیده‌شناسی و علوم جنایی؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش؛ چاپ یکم؛ ص ۸۸.

تأثیرگذار بر شکل‌گیری انگیزه‌های انتقام‌جویانه، همانند انگیزه‌های سودجویانه نیست و تحلیل آنها می‌تواند بر کارآترشدن فرایند کیفی و اجرای شایسته‌تر عدالت کمک کند.^۱ به این ترتیب، با توجه به کارکردهای سودمند قصد و انگیزه جنایی در شناسایی تدابیر مناسب‌تر، اثربخش‌تر و بازدارنده‌تر کیفی، باید دید آیا می‌توان از این ظرفیت در کارآترکردن سایر تدابیر مبارزه با بزهکاری‌ها، بویژه تدابیر کنشی و پیشگیرانه نیز بهره‌برداری کرد یا خیر؟

ب) بهترین راه کاهش بزهکاری: ترک آگاهانه بزهکاری

هنگامی که سرآغاز فرایند جنایی را شکل‌گیری انگیزه و قصد جنایی بدانیم، بهترین راه پیشگیری از بزهکاری نیز جلوگیری از شکل‌گیری همین عناصر خواهد بود. هیچ تدبیر پیشگیرانه‌ای سودمندتر، کم‌پیامدتر، کم‌دردسرت‌تر و کم‌هزینه‌تر از آن نیست که چنان بر وجدان و ضمیر خودآگاه بشری تأثیر گذارد که از روآوری به بزهکاری بپرهیزد.

آنچه امروزه در چارچوب گفتمان جرم‌شناسی کاربردی یا پیشگیرانه با عناوینی چون پیشگیری اجتماعی (بویژه رشدمدار) و نظایر آن گفته می‌شود^۲، همگی هدفی جز تأثیرگذاری بر اراده بزهکار بالقوه و بازدارندگی او از ارتکاب جرم را دنبال نمی‌کنند. سپس سایر تدبیرها همگی بر این پایه برنامه‌ریزی می‌شوند که با یک بزهکار بالقوه بالاراده و با انگیزه رویارویند و به همین دلیل تمرکز خود را به سوی بزه‌دیده بالقوه سوق و مصون‌سازی او را در دستور کار قرار می‌دهند و هرچه این چنین افرادی بر تحقق بزهکاری خویش پافشاری بیشتری کنند، تدابیر پیشگیرانه وضعی یا موقعیت‌مدار را با دشواری و دردسر بیشتری روبرو می‌کنند (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۸۸). شکل‌گیری پدیده‌هایی نظیر جابه‌جایی بزهکاری^۳ از سوی همین گروه رخ می‌دهد و بنابراین، گرچه نسبت به تدابیر اجتماعی دستاوردهای ملموس‌تری

۱. برای خواندن مطالب بیشتر دربارهٔ چگونگی پیوند عنصر معنوی با عنصر مادی جرم که از آن به گذار از اندیشه به عمل (acting out) یاد می‌شود، رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید؛ ۱۳۹۰، دانشنامه جرم‌شناسی؛ انتشارات کتابخانه گنج دانش؛ چاپ دوم؛ ص ۳۶.

۲. برای مطالعه بیشتر، بنگرید: مهدوی، محمود، (۱۳۹۰)، پیشگیری از جرم (پیشگیری رشدمدار)، چاپ یکم، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ص ۲۳.

3. Displacement of Criminality

برای خواندن مباحثی راجع به این موضوع، رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید؛ همان؛ ص ۱۳۵.

در جلوگیری از ایمن‌سازی جامعه به همراه دارند، لیکن در مجموع هزینه‌ها و همچنین پیامدهای سهمگین‌تری را تحمیل می‌کنند (همان، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

با این حال، نکته مهم این است که فهرست عناوین کیفری قوانین امروزی بسیار گسترده‌تر و گوناگون‌تر از گذشته است و باید دید تکیه بر قصد و انگیزه جنایی برای مخاطب قراردادن افراد در برنامه‌های پیشگیری و سپس ضمانت‌اجراهای کیفری تا چه حد عادلانه و منطقی است. بخش عمده‌ای از فهرست عناوین کیفری امروزی از دستاوردهای فناوریانه در حوزه‌های مختلف ناشی می‌شود که آگاهی از همگی آنها از سوی یکایک افراد جامعه امکان‌پذیر نیست و به همین دلیل، هم اینک برخی صاحب‌نظران از بی‌اعتبارشدن کلیات اصل جهل به قانون رافع مسئولیت نیست سخن می‌گویند و بر این باورند که با این میزان تنوع و تکثر عناوین کیفری، ضروری است اجرای این اصل بر رعایت شرایطی استوار گردد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰: ۶۸).

سرانجام، مؤلفه بسیار مهم دیگری که بر خودداری آگاهانه از بزهکاری تأثیر قابل‌توجهی دارد، آگاهی بزه‌دیدگان بالقوه است. به بیان دیگر، هرچه بزه‌دیدگان بالقوه فرصت‌ها و فناوری‌های نهفته در وضعیت جنایی خویش را از بین برده و آن را مصون و ایمن سازند، در برآورد هزینه جنایی بزهکاران بالقوه تأثیر قابل‌توجهی خواهند داشت. چنانچه این فرض را بپذیریم که بیشتر بزهکاران حسابگرند و برپایه هزینه - فایده آماج‌های خویش را برمی‌گزینند،^۱ رویارویی بزه‌دیدگان بالقوه با آنها می‌تواند نقشی کلیدی در چنین برآوردی ایفا کند. لذا در آموزه‌های پیشگیری اجتماعی از جرم، علاوه بر بزهکاران بالقوه، بزه‌دیدگان بالقوه نیز موضوع برنامه‌های آگاهی‌بخش قرار می‌گیرند؛ بویژه در جایی که بزه‌دیدگی آنها به مسوولیت کیفری ناشی از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی، مسوولیت مقرراتی یا مسوولیت قراردادی خود یا نهادهای متبوعه‌شان می‌انجامد و آگاه‌سازی آنها با جدیت بیشتری دنبال می‌شود (مهدوی، ۱۳۹۰: ۳۷۱).

پ) کدهای رفتاری / منشورهای اخلاقی: بهترین ابزار آگاهی از پیامدهای بزهکاری

یکی از جلوه‌های تمدن، پیشرفت و بالندگی جوامع بشری که از سوی کاوشگران باستان‌شناس نیز مورد توجه ویژه قرار می‌گرفته است، مدون کردن هنجارهای لازم‌الاجرا و

۱. نخستین بار دیدگاه فایده‌گرایی جنایی و سودمندی واکنش اجتماعی از سوی ژرمی بنتام مطرح شد. بنگرید: همان؛ ص ۵۶.

در دسترس قرار دادن آنها به آشکارترین شکل برای اعضای جامعه بوده است.^۱ به بیان دیگر، این مسأله برای بشر دوران گذشته آشکار شده بود که نقل سینه‌به‌سینهٔ هنجارها، ولو به شکل فراگیر نمی‌تواند راهگشا باشد و تا هنگامی که در یک کالبدی نمایان نگردد و مردم آن را در پیکره‌ای یکپارچه نبینند و یادآوری نکنند، نمی‌توان به اجرای شایستهٔ آنها امیدوار بود. لذا کتابت احکام که نخستین بار بر روی الواح سنگی صورت گرفت، با همین رویکرد در دستور کار حاکمان گذشته قرار گرفت (صدر توحیدخانه، ۱۳۸۳: ۱۵۹).

در کنار این کالبدیایی و پیکرتراشی هنجاری، محتوای هنجارها نیز دگرگون و زان‌پس برپایهٔ قواعد ویژه‌ای نگارش شد تا همگی آنها جلوه‌ای یکپارچه و هماهنگ یابند و بتوانند به طور اثربخش تر مخاطبان خود را تحت تأثیر قرار دهند. برگزیدن این رویه‌ها باعث شد این مجموعه‌های هنجارین عنوان کد یا قانون‌نامه بیابند و به دلیل برخورداری از شکل و محتوای متمایز، نگاه‌های متفاوت همهٔ افراد جامعه را به سوی خود جلب کنند.

به این ترتیب، مجموعه هنجارهایی که امروز با عناوینی چون قانون، آئین‌نامه، مقررات یا بخشنامه از سوی مراجع صلاحیتدار، برای رعایت همه یا بخشی از اعضای جامعه وضع و ابلاغ می‌شوند، کدهایی هستند که برای بهنجارسازی رفتارها پدید آمده‌اند و بنابراین، از یک نگاه می‌توان همهٔ آنها را زیر عنوان کدهای رفتاری^۲ گنجانید. این کدها، حسب اینکه از سوی کدام مرجع وضع و ابلاغ می‌شوند، جایگاه و ارزش متفاوتی دارند و به همان نسبت برای نقض آنها ضمانت اجراهای متفاوتی پیش‌بینی می‌شود. برای مثال، نقض کدهای قانونی با ضمانت اجراهای مدنی یا کیفری همراه است، اما نقض کدهای مقرراتی، تنبیهات اداری را در پی دارد و سرانجام، کدهای قراردادی نیز الزامات قراردادی را برمی‌انگیزد.

با این حال، در کنار این نگاه فراگیر، امروزه کدهای رفتاری معنا و جلوهٔ ویژه‌ای نیز یافته‌اند. در پرتو این نگاه و هم‌سو با رویکرد کلی پیشگیری از نقض هنجارهای لازم‌الاجرای قانونی تا قراردادی، همهٔ هنجارهای مربوط به یک حوزهٔ خاص گردآوری و به مخاطبان آن ابلاغ می‌شود. در اینجا هدف اصلی همانا رشد آگاهی مخاطبان است و نه وضع هنجارها یا ضمانت اجراهای جدید. دلیل روآوری به این شیوهٔ آگاه‌سازی نیز گوناگونی و گستردگی هنجارهای حاکم بر یک حوزه از یک سو و نیز اثرگذاری دوچندان مجموعه کدها از سوی دیگر می‌باشد. کما اینکه در بالا اشاره شد هنگامی که یک هنجار در کالبدی به نام کد به

۱. برای خواندن مباحث راجع به این حوزه، بنگرید: هافنر، هری؛ قوانین هیتی‌ها (قانون‌نامه‌ای از آسیای صغیر)؛ ترجمه فرناز اکبری رومنی؛ انتشارات حقوقی؛ چاپ اول؛ بهار ۱۳۸۴.

2. Codes of Conduct

مخاطبان معرفی می‌شود، آسان‌تر پذیرفته و رعایت می‌شود تا اینکه در قالب‌هایی مانند اندرزنامه‌ها یا نظایر آن بازتاب یابد.

به این ترتیب، در نگاه نوین پیشگیری آگاهی‌محور از بزهکاری، کدهای رفتاری نقش تعیین‌کننده‌ای در دستیابی به نگاه فراگیر و همچنین ژرف به همهٔ هنجارهای الزامی و حاکم بر حوزه رفتاری مورد نظر ایفا می‌کنند. بی‌گمان کدهای رفتاری بزهکارمحور با کدهای رفتاری بزه‌دیده‌محور تفاوت‌هایی دارند و همچنین کدهای رفتاری مشاغل با کدهای رفتاری کارکنان دولت یکسان نیست. هرچه شرایط و ویژگی‌های متمایز یک حوزه در تدوین کدهای رفتاری بیشتر رعایت شود، می‌توان به کارایی و اثربخشی آنها بیشتر امیدوار بود.

ت) نگاه این نوشتار: کارکردها و محدودیت‌های کدهای رفتاری در پیشگیری از بزهکاری

بررسی پیشینه کدهای رفتاری با نگاه کارایی آنها در نظام پیشگیری از بزهکاری، آشکار می‌سازد که پیشینهٔ چندانی ندارد و به تازگی جایگاه آن شناسایی شده است. این میزان اطمینان به آن تا آنجاست که هم‌اینک در اسناد گوناگون فراملی مبارزه با بزهکاری، بویژه بزهکاری‌های مهم، از کشورهای عضو خواسته می‌شود به عنوان یک تدبیر کارآمد و اثربخش در دستور کار خود قرار دهند و حتی در صورت امکان، الزام به آن را در ادبیات قانونی خویش نیز وارد کنند که به سهم خویش این میزان تأکید اثربخش بوده و کشورها به تدریج الزامات قانونی خود را برای بکارگیری این ابزار در جهت کاهش بزهکاری‌های مختلف در دستور کار خود قرار داده‌اند.^۱

با این حال، هنگامی می‌توان به دستاوردهای سودمند کدهای رفتاری در پیشگیری از بزهکاری رسید که از یک سو به درستی با ساختار، سازوکار، شیوه و شرایط تدوین و بکارگیری آنها آشنا شد و از سوی دیگر بر محدودیت‌های گوناگونی که ممکن است در

۱. کدهای رفتاری بطور گسترده در توافقی‌های بین‌المللی راجع به فساد به رسمیت شناخته شده‌اند. در میان این اسناد، کنوانسیون کشورهای آمریکایی دربارهٔ مبارزه با فساد مصوب ۱۹۹۶ یکی از نخستین اسنادی بود که این کدها را به رسمیت شناخت. در سال ۲۰۰۳، کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد (مریدا)، در بندهای گوناگونی به آیین‌نامه‌ها و ضوابط رفتاری برای بسط فرهنگ پاسخگویی در میان مقامات دولتی اشاره کرده است. کدهای رفتاری سازمان‌های بین‌المللی مانند کد رفتاری بانک اروپایی بازسازی و توسعه (۱۹۹۱)، کد رفتاری ماموران عالی رتبه اتحادیه اروپا، کد رفتاری کارکنان قضایی مانند آیین‌های رفتار قضایی برای ایالت ویرجینیا (۱۹۹۸) و پیش‌نویس سند بنگلور راجع به اصول بین‌المللی رفتار قضایی (۲۰۰۱) از مهم‌ترین نمونه‌های کدهای رفتاری در اسناد فراملی‌اند. اسناد قانونی ملی نیز کم‌وبیش اشاره‌هایی به کدهای رفتاری داشته‌اند که در متن نوشتار به آنها پرداخته شده است.

مراحل مختلف آشکار شوند و از دستیابی به اهداف موردنظر جلوگیری نمایند، چیره شد. به همین منظور، این نوشتار با مبنا قراردادن گفتمان پیشگیری اجتماعی و وضعی از بزهکاری، در دو بخش مباحث این حوزه را پی می‌گیرد. نخست، کارکردها و محدودیت‌های کدهای رفتاری را در پیشگیری اجتماعی که رویکردی بزهکارمحور دارد، بررسی می‌کند و سپس در بخش دوم، به کارکردها و محدودیت‌های آنها در پیشگیری وضعی که رویکردی بزه‌دیده‌محور دارد، می‌پردازد.

بخش یکم: کدهای رفتاری و پیشگیری اجتماعی از بزهکاری

از نظر جرم‌شناسی، پیشگیری اجتماعی مبتنی بر علت‌شناسی جرم است. بدین معنا که در تکوین جرم عوامل مختلفی نقش دارند و وظیفه پیشگیری اجتماعی شناسایی و خنثی کردن این عوامل جرم‌زا است (نجفی ابرندآبادی، ۸۰-۱۳۷۹: ۷۶۰). از لحاظ مراحل تکوین جرم و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن، همانطور که پیش‌تر اشاره شد، انگیزه و قصد جنایی سرآغاز فرایند جنایی را دربرمی‌گیرند که به همین ترتیب، تدابیر پیشگیرانه اجتماعی در اولویت تدابیر کنشگرانه قرار می‌گیرند. رهیافت پیشگیری اجتماعی در هر دو گونه جامعه‌مدار و رشد مدار، تربیت‌محور بوده و بر تقویت سازوکارهای خودکنترلی، آموختن مهارت‌های اجتماعی و اتخاذ اقداماتی به‌منظور پرکردن خلاءهای شخصیتی افراد تأکید می‌کند.

در این راستا، یکی از ابزارهای نوین و اثبات شده در امر پیشگیری اجتماعی، کدهای رفتاری یا کردارنامه‌ها هستند که با توجه به رویکرد و ماهیت تخصصی‌شان می‌توانند در پیشگیری از بزهکاری نقش مطلوب خویش را ایفا کنند. همگام با آموزه‌های پیشگیری اجتماعی از جرم، شالوده و زیربنای کدهای رفتاری بر محور آگاهی‌بخشی، هشداردهی و آموزش استوار است. برای شناخت کدهای رفتاری و آشنایی با نقش پیشگیرانه آن ضروری است که کارکردها و محدودیت‌های آن واکاوی شود. کدهای رفتاری به گونه‌های مختلف، بر بزهکاران بالقوه اثر می‌گذارند. سنجش نقاط ضعف و قوت این کدها، میزان اثربخشی آنها را برجسته‌تر می‌سازد. در دو گفتار زیر مزیت‌ها و محدودیت‌های کدهای رفتاری برای اثرگذاری بر بزهکار به بوته بررسی کشیده شده‌اند.

گفتار یکم: کارکردهای کدهای رفتاری اثرگذار بر بزهکار بالقوه

رابطه میان اخلاق و حقوق همواره یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفه حقوق بوده که توجه اخلاق‌گرایان را به خود جلب کرده است. اخلاق‌گرایان بر این باورند که نقض قاعده اخلاقی

به طور ذاتی بد است و از این رو برای حمایت از اخلاق به طور عام باید از ضمانت اجرای حقوقی استفاده و اخلاق را الزام آور کرد (محمودی جانکی، ۱۳۸۸: ۷۶۴).

نقش اخلاق در عملکردها و رفتارها، در تصمیم گیری‌ها و انتخاب‌ها و در برخوردها و ارتباطات مهم و تعیین کننده است (الوانی و رحمتی، ۱۳۸۶: ۴۶)؛ زیرا اخلاق یا احکام اخلاقی سنخی از هنجارها به شمار می‌آیند که تنظیم رابطه فرد با دیگران را در دستور کار خویش قرار می‌دهند؛ به گونه‌ای که این نظم و نسق بخشی براساس حقانیت یا ناحقی، خوبی یا بدی احتمالی رفتارها ایجاد می‌شوند. بدیهی است این داوری نیز باید برپایه اصل یا اصول معین از پیش داده شده یا دریافت شده‌ای انجام شود تا هر کس نتواند گزینش اخلاقی خود را بر اصلی خودگزیده بنیان نهد و آن را اخلاقی کند (محمودی جانکی، ۱۳۸۸: ۷۶۶).

در این نوشتار سازوکاری که به عنوان بازوی اجرایی جاری و ساری ساختن اخلاقیات در بطن اجتماع برگزیده شده، کدهای رفتاری است. کدهای رفتاری در مقام تعیین رهنمودها و ارزش‌های اخلاقی مورد انتظار ظاهر شده و با تأکید بر فهرستی از بایدها و نبایدها به عنوان یک الگوی عام اخلاقی به دنبال ایجاد موانع کنترل درونی‌اند. کدهای رفتاری در قالب گزاره‌های مبین خوبی‌ها و بدی‌ها تدوین می‌شوند و به مثابه تلنگری هستند که بر وجدان بزهکار بالقوه وارد می‌شود تا با آگاه ساختن وی از بایدها و نبایدهای اخلاقی و تأکید بر اخلاقیات به وی در تصمیم گیری میان خوب و بد کمک کنند و او را از ارتکاب جرم منصرف گردانند.

با این حال، کارکرد مبنایی و مستقیم کدهای رفتاری به آگاهی بخشی و شفاف سازی بایدها و نبایدهای رفتاری در حوزه‌های تخصصی برمی‌گردد. افزایش سطح آگاهی گروه‌های مختلف شغلی و حرفه‌ای از قوانین و مقررات مربوطه، شفافیت و مسئولیت پذیری را بالا برده و آنها را از پیامدهای نقض رفتارهای مورد انتظار مطلع می‌گرداند. امروزه کدهای رفتاری یا کردارنامه‌های حرفه‌ای یکی از ابزارهای سودمندی است که برای نهادینه سازی فرایند بهبود و روزآمدسازی آگاهی تخصصی کارکنان در حوزه‌های تخصصی مختلف به کار گرفته می‌شود. این کدها که از سوی سازمان‌ها با نگاه تخصصی و حرفه‌ای برای کارکنانشان تدوین می‌شود، وظایف هر یک از آنها و پیامدهایی که ممکن است در اثر نادیده انگاشتن ضوابط با آنها روبرو شوند و همچنین راههای حسن اجرای وظایف را به آنها می‌آموزد. در زیر به کارکردهای اینگونه کدهای رفتاری اشاره می‌شود.

بند یکم: برانگیختن وجدان فردی

در مقدمه به نقش انگیزه در ایجاد فرایند شکل گیری رفتار مجرمانه اشاره شد. انگیزه عاملی کاملا درونی به شمار می‌آید و چنانچه هنجارشکنانه و مجرمانه باشد، تنها در صورتی

می‌توان آن را مهار کرد که با سازوکارهایی بر درون فرد اثر گذاشته شود. چنانچه نتوان قبل از ارتکاب جرم، انگیزه‌های سوء بزهکاران بالقوه را مهار کرد، باید سراغ تدابیر پیشگیرانه موقعیت‌مدار یا وضعیت‌مدار رفت. بنابراین، برای کنترل و هدایت انگیزه باید از سازوکارهای درونی و مؤثر بر خود فرد و وجدان وی کمک گرفت.

طی چند دهه گذشته پذیرفته شده که وجدان اخلاقی بزهکار بالقوه در برابر هنجارشکنی، درمقایسه با هرگونه سازوکار کنترلی دیگر می‌تواند بازدارندگی مؤثرتری داشته باشد (ویلیامز، ۱۳۹۱: ۲۳۲). همانطور که در نظریه‌های روانشناسانه فروید درباره شخصیت درونی انسان و «خود» فرد آمده است، خود بخش سازنده شخصیت است که با توجه به واقعیت‌های دنیای خارج عمل می‌کند و دارای دو سطح ادراکی است. یکی از این دو سطح متوجه نیازها و جنبش‌های غریزی درونی است و دیگری از طریق ادراک حسی با واقعیات محیط خارج مربوط می‌شود. نقش خود آنست که بین این دو سطح ادراکی چنان موازنه‌ای برقرار کند که حداکثر رضایت در فرد بوجود آید. در شخص متعادل «خود» به منزله قوه مجریه شخصیت است و بر نهاد و فراخود نظارت می‌کند.

اکثر روانکاوان فراخود را به دو جزء دیگر تقسیم کرده‌اند. یکی خودآرمانی است که الگوهای آرمانی رفتار فرد را بر اساس خواست‌های اجتماع تبیین می‌کند. جزء دوم، وجدان اخلاقی فرد است که بخشی از فراخود به شمار می‌آید. وجدان اخلاقی در قبال انجام اعمال و افکاری که اجتماع آنها را جایز نمی‌دانند، با ایجاد احساس گناه فرد را تنبیه می‌کند. از این‌رو، همه ما یک وجدان آموخته داریم که در ابتدای کودکی القا می‌شود؛ به ما تفاوت بین درست و نادرست را می‌گوید و این وجدان است که اگر به درستی در وجود فرد نهادینه شده باشد، خطاکار بی‌درنگ می‌فهمد که کارهای نادرستی انجام داده است.

در این راستا، رسالت اصلی کدهای رفتاری به عنوان یک سازوکار پیشگیرانه این است که می‌توانند با تقویت رفتار اخلاقی و ایجاد تحول درونی نقش پلیس باطن را برای بزهکاران بالقوه ایفا کنند. پلیس باطن موانع اخلاق درونی در فرد ایجاد می‌کند که با روش‌های مستقیم یا غیرمستقیم بر روی شخصیت فرد اثر گذاشته و موجب ترویج رفتارهای مسئولانه در محیط‌های اجتماعی و شغلی می‌شود. این کدها می‌توانند به صورت بیانیه‌های حرفه‌ای وارد عمل شوند و چون از نوع مسائل ارزشی هستند، بهترین ضمانت‌اجرای آن ایجاد تحول درونی در افراد است که آنها را تشویق و ترغیب در پاسداری از بایدها و نبایدها می‌نماید (حمیدیان، ۱۳۸۵: ۱۲۵). در اینجا کدهای رفتاری برآند با زنده نگاه داشتن فطرت پاک

بشری وجدان او را در برابر وسوسه‌های پلید و تبهکارانه بیدار نگاه دارند تا خود با چیره شدن بر آنها از نقض هنجارها خودداری کند.^۱

در تأیید این رسالت برای سنجش تأثیر کدهای رفتاری بر اخلاق حرفه‌ای کارکنان، می‌توان به پیمایش ملی که در سال ۱۹۹۴ در آمریکا درباره اخلاق حرفه‌ای در میان کارکنان و مدیران صنایع مختلف، از سوی مرکز منابع اخلاقی انجام شد، اشاره کرد. در این پژوهش نگرش پاسخگویان نسبت به موضوعات اخلاقی و برنامه‌های اخلاقی شرکت آنها، مورد سنجش قرار گرفت. پاسخگویان به دو دسته تقسیم شدند: گروهی در شرکتشان برنامه‌های اخلاقی وجود نداشت؛ نه کدهای رفتاری داشتند، نه آموزش اخلاق و نه دفتر اخلاق و گروه دیگر در شرکتشان دارای برنامه‌های جامع اخلاقی، یعنی کدهای رفتاری، آموزش اخلاق و دفتر اخلاقی بودند. بر اساس یافته‌های به دست آمده از این پژوهش، میان دو گروه، تفاوت فاحشی وجود داشت. رفتار حرفه‌ای کارکنان شرکت‌هایی که برنامه‌های اخلاقی را اجرا کرده بودند، نسبت به دسته اول بسیار اخلاقی‌تر بود (لشکر بلوکی، ۱۳۸۷: ۱۰۶).

هم‌اینک کردارنامه‌های حرفه‌ای به حدی اهمیت یافته‌اند که در برخی قوانین داخلی نیز به لزوم تدوین منشور اخلاق حرفه‌ای تصریح و دستگاه‌های اجرایی مکلف به اجرای شایسته آنها شده‌اند. برای مثال، ادای سوگند و پایبندی به منشور اخلاقی و اداری در بدو ورود به دستگاه‌های اجرایی، در قانون مدیریت خدمات کشوری تأکید شده است. بر پایه ماده (۲۵): مدیران و کارمندان دستگاه‌های اجرایی خدمت‌گزاران مردم هستند و باید با رعایت موازین اخلاقی و اداری و طبق سوگندی که در بدو ورود اداء نموده و منشور اخلاقی و اداری را امضاء می‌نمایند، وظایف خود را به نحو احسن در راه خدمت به مردم و با در نظر گرفتن حقوق و خواسته‌های آنها انجام دهند.

طبق تبصره «۱» این ماده:

اصول و مفاد منشور فوق‌الذکر، متن سوگندنامه و تعهدات کارمندان دستگاه‌های اجرایی با پیشنهاد سازمان به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

و بر پایه تبصره «۲»:

دستگاه‌های اجرایی می‌توانند متناسب با وظایف و شرایط خاص دستگاه مربوط علاوه بر موارد فوق، مواردی را با رعایت منشور اخلاقی مصوب هیات وزیران به آن اضافه نمایند.

۱. تأثیر کنترل و خودکنترلی در پیشگیری از جرم در برخی نظریه‌های جرم‌شناسانه مانند نظریه پیوند اجتماعی (کنترل اجتماعی) هیرشی نیز تأکید شده است. بنگرید: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، نیم‌سال دوم ۱۳۸۴-۱۳۸۳، «تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)»، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تنظیم مهدی صبوری‌پور، صص ۲۰۷۰-۲۰۶۷.

همچنین در قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، به تأسیس انجمن‌هایی برای تحقق اصول اخلاق حرفه‌ای اشاره شده است.^۱ در آخرین نمونه نیز باید به قانون «ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد» مصوب ۱۳۹۰ اشاره کرد. در ماده (۷) این قانون آمده است:

دولت موظف است با همکاری سایر قوا به منظور فرهنگ‌سازی و ارتقاء سلامت نظام اداری براساس منابع اسلامی و متناسب با توسعه علوم و تجربیات روز دنیا ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون «منشور اخلاق حرفه‌ای کارگزاران نظام» را تدوین نماید.

تبصره - کلیه دستگاه‌های موضوع بندهای «الف»، «ب» و «ج» ماده (۲) این قانون مکلفند براساس وظایف و مأموریت‌های خود در چهارچوب «منشور اخلاق حرفه‌ای کارگزاران نظام» به تدوین رفتار حرفه‌ای و اخلاقی مقامات موضوع ماده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مدیران و کارکنان خود اقدام نمایند.

همانطور که مشاهده می‌شود در متن هیچیک از این مواد اصطلاح کدهای رفتاری به کار نرفته است. این اصطلاح در اسناد داخلی برای نخستین بار از سوی شورای عالی اطلاع‌رسانی در سال ۱۳۷۹ در سندی با عنوان «راهنمای کلان ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت در کشور» به کار گرفته شد که در آن از تدوین کدهای رفتاری برای کاربران شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای سخن گفته بود. یکی از نکته‌های بسیار مهم در رابطه با کدهای رفتاری اینست که پیشنهادها مربوط به آن باید مبتنی بر ظرفیت‌های قانونی و مقرراتی کشور در حوزه مورد نظر باشد. صرف نوید دادن به تدوین کدهای رفتاری و بکارگیری آیین‌نامه‌های رفتاری کفایت نمی‌کند و برای اجرای شایسته این قوانین باید گزاره‌های رفتاری مورد نظر را به قلم درآورد و از ظرفیت‌های موجود در این کدها برای عرصه‌های گوناگون شغلی و اجتماعی بهره برد.

بند دوم: آگاهی‌بخشی و تقویت حساسگری

در وهله نخست، کدهای رفتاری به دنبال بیدار کردن وجدان بشر می‌باشند. به این معنا که با تقویت حس شرافت، کرامت، حیثیت و بطور کلی پندار، کردار و گفتار نیک در نهاد وی، او را از ارتکاب ناراستی‌ها بازدارند. اما اگر از این نگاه آرمان‌گرایانه که اخلاق‌گرایان منادی

۱. ماده ۱۵. «دولت موظف است حداکثر ظرف شش ماه زمینه‌های تأسیس انجمن‌های صنفی - حرفه‌ای را به صورت سازمان‌های مردم‌نهاد فراهم نماید. این انجمن‌ها برای تحقق مقررات صنفی و حرفه‌ای، اصول اخلاق حرفه‌ای و توسعه علمی و تکنولوژی در رشته‌های مرتبط فعالیت می‌نمایند. دستگاه‌های اجرایی موظفند در تدوین و اصلاح ضوابط و مقررات از این انجمن‌ها نظر مشورتی اخذ نمایند».

آند گذر کنیم و به دنیای واقعی مملو از وسوسه‌های گوناگون پا گذاریم و بشر سرشار از غرایز و نیازهای گوناگون را در برابر آنها تنها ببینیم، صرف تأکید بر وجدانیات و پایبندی به اخلاقیات راهگشا نخواهد بود و نمی‌توان برپایه آن به دستاوردهای مطلوب در عرصه پیشگیری اجتماعی امیدوار بود. بلکه باید با برانگیختن حس‌های دیگری در وجود وی او را از تسلیم شدن در برابر وسوسه‌های پلید بازداشت که از جمله مهم‌ترین آنها بیدار کردن حس حسابگری و موازنه سود و زیان در کارهاست.

منظور از حسابگری سنجش سود و زیان و تسلیم نشدن در برابر کارها یا رویدادهایی که زیان آنها بر سودشان چیره است. بر پایه این نگاه ژرمی بنتام نظریه معروف خود به نام «اصل سودمندی» را مطرح کرد. او معتقد است که از میان امکانات مختلفی که در هر مورد در برابر ما وجود دارد، باید آن امکان را برگزینیم که بیشترین سعادت یا لذت را برای افراد بیشتری مهیا می‌سازد.

بر اساس دکترین حسابگری، انسان به خودی خود چیزی را انجام می‌دهد که ضرورتاً موجب افزایش سود (لذات) و کاهش ضرر (رنج) گردد. انسانها می‌توانند به حسابگری سود یا ضرری که از تعدی یا عدم تعدی به قانون نصیب آنها می‌شود پردازند و نتیجه فعل غیرقانونی خویش را در قالب ضرری که بر آنها ممکن است وارد آید، درک کنند. بدین ترتیب تردیدی نیست که ضرر بیشتر ناشی از ارتکاب جرم، موجب تضرر بیشتر بزهکار و در نتیجه، کاهش ارتکاب جرم خواهد بود (غلامی، ۱۳۸۲: ۱۱۳).

در این میان، آنچه میزان حسابگری افراد از سود و زیان عمل خویش را افزایش می‌دهد، عنصر آگاهی‌بخشی است که از گذر کدهای رفتاری و با تبیین خطرهای و اعلام هشدارهای مبتنی بر پیامدهای رفتار مجرمانه به افراد منتقل می‌شود. یکی از دستاوردهای ارزشمند نظام عدالت کیفری نوین این بوده که برای جلوگیری از ایجاد هرج و مرج در دستگاه قضائی و به تبع آن در جامعه و حفظ نظم عمومی و همچنین در راستای قاعدهٔ جهل به قانون رافع مسئولیت نیست، تشریفات مفصلی دربارهٔ ابلاغ و لازم‌الاجرا شدن قوانین و مقررات پیش‌بینی کرده است. به دیگر سخن در نظام عدالت کیفری نوین، بین فرض آگاه بودن همهٔ افراد جامعه از قوانین و مقررات و تشریفات که برای فرونشاندن جهل تدارک دیده می‌شود، توازن برقرار شده است. بدین معنا که از یک سو برای تحقق بخشیدن به اصول دادرسی عادلانه و رفع هرچه بیشتر جهل عموم از قوانین و مقررات تشریفات و فرایندهای آگاه‌کنندهٔ چندمرحله‌ای پیش‌بینی شده و از سوی دیگر، به حکم اطلاق این قاعده و با سختگیری هرچه بیشتر، همهٔ آحاد جامعه، چه اتباع ایرانی و چه غیرایرانی درقبال آگاهی از همهٔ قوانین اعم از شکلی یا ماهوی، کیفری یا حقوقی مسئول قلمداد شده‌اند.

در نظام تقنینی ما به جای تصریح به قاعده «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست»، فرایند آگاه‌سازی عموم مردم از انتشار قوانین و مصوبات جدید در قوانین گوناگونی پیش‌بینی شده است. برای مثال، در ماده (۲) قانون مدنی مقرر شده است که «قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجرا است، مگر آنکه در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد». همچنین، طبق ماده (۳) همین قانون، «انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی بعمل آید». در تبصره ماده (۵) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات نیز لزوم آگاهی مردم از قوانینی که متضمن حق یا تکلیفی برای آنهاست به صراحت قید شده است.^۱

با این حال، گستردگی و تنوع قوانین و مقررات به قدری زیادست که اشراف بر همه آنها حتی از عهده متخصصین رشته‌های حقوقی و مقامات مقررات‌گذاری نیز خارج است. به علاوه، انتظار آگاهی از همه قوانین و مقررات از افراد عامی با روح عدالت و انصاف نیز ناسازگار است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰: ۶۳). بی‌تردید، هدف قانونگذار از وضع و اجرای قانون اینست که جامعه را تا آنجا که ممکن است از خطر رفتارهای مجرمانه در امان نگاه دارد و در سالم و پاک ماندن آن نهایت تلاش و کوشش را بنماید. براین اساس از منظر جرم‌شناسی، برای کاهش و از بین بردن جرم، باید سراغ شناسایی عوامل وقوع جرم رفت. نمی‌توان انتظار داشت که جرمی به وقوع بپیوندد و مرتکب را مجازات کنیم و سپس انتظار داشته باشیم که تنها از قیل اجرای مجازات جامعه سالم و عاری از هرگونه جرم شود. آنچه مهم است آسیب دیدن جامعه از رفتار زیانبار مرتکب است و صرف اعمال مقررات و اجرای مجازات برای جبران زیان وارده کافی نیست. حال اگر مرتکب ادعای جهل کند و مجریان قانون بدون اعتنا و به صرف فرض آگاه بودن عموم تنها به دنبال اجرای مجازات باشند، پرواضح است که جامعه سالم و به وضع سابق اعاده نخواهد شد. از این‌رو، به تدریج رویکرد نظام عدالت کیفری از اتخاذ تدابیر واکنشی به اتخاذ سیاست جنایی پیشگیری و تدابیر کنشی تغییر یافته است.

بنابراین، ضروری است برای آگاه‌سازی عموم از تصویب قوانین گوناگون، یک سازوکار تکمیلی پیش‌بینی شود. این سازوکار تکمیلی، همان کدهای رفتاری است. طی چند دهه اخیر، با توجه به گرایش بیشتر کشورها به اولویت بخشیدن پیشگیری از وقوع هنجارشکنی‌ها بر مبارزه کیفری با جرایم، بحث «اخلاق حرفه‌ای» به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی پیشگیری اجتماعی از جرایم و انحرافات مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. تدوین و اجرای کردارنامه یا کدهای رفتاری جامع به عنوان بازوی اجرایی اخلاق

۱. طبق این تبصره: «اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است باید علاوه بر موارد قانونی موجود از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد».

حرفه‌ای و به‌منظور رشد آگاهی حقوقی عوامل، دست‌اندرکاران و مخاطبان از رفتارهای غیرقانونی و پیشگیری از ارتکاب ناآگاهانه جرایم و تخلفات، می‌تواند گام مؤثری برای بهنجارسازی فعالیت‌های حرفه‌ای و تخصصی باشد. این کار دو حسن دارد: اولاً از اختلاف رویه در اتخاذ روش‌های پیشگیرانه جلوگیری می‌کند. ثانیاً فعالان صنفی گوناگون حدود تکالیف خویش را بازمی‌شناسند و از ابهام در اتخاذ روش‌های مؤثر برای پیشگیری و بیم مسؤلیت ناشی از عدم بکارگیری آنها رهایی می‌یابند (فضلی، ۱۳۸۸: ۲۶۰).

از لحاظ ماهوی، کدهای رفتاری آگاهی‌بخش با توجه به فعالیت، مقررات و الزامات اصلی حوزه‌های مختلف طراحی می‌شوند و هر سازمانی مجموعه‌ای منحصر به فرد از این کدها را تنظیم کرده و بسیار دور از واقعیت خواهد بود که انتظار داشته باشیم یک کد رفتاری واحد برای همه حوزه‌های شغلی و اجتماعی مناسب باشد. کدهای رفتاری نسخه خلاصه شده ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های رفتاری است که در قالب قوانین انبوه و دست‌وپاگیر برای فعالان عرصه‌های گوناگون تدوین شده است. این کدها مبین استانداردهای پذیرفته شده و پذیرفته نشده نهادها و تخصصی است تا به عنوان ابزاری برای آگاهی‌بخشی بیشینه افراد جامعه و کاربران حوزه‌های خاص شغلی، حرفه‌ای و اجتماعی استفاده شود. تلاش برای ارتقای سلامت رفتاری در محیط گوناگون اجتماعی و حرفه‌ای از طریق اتخاذ تدابیر آگاهی-بخش از این جهت نیز قابل تأمل است که فعالان آن عرصه را با این انتظار متعارف روبرو می‌کند که در طیف وسیع رفتارهای حرفه‌ای تا چه اندازه آزادی عمل داشته و با درک تمایز جرم،^۱ انحراف،^۲ تخلف^۳ و رفتارهای ضد اجتماعی^۴ از رفتارهای مطلوب و مورد پذیرش به-روشنی بدانند کدامین هنجار رسمیت یافته را نقض کرده‌اند (جلالی فراهانی، ۱۳۹۰: ۸۲).

1. Crime – Offence

ناپسندترین و سرزنش‌آمیزترین هنجارشکنی‌هایی که در مجموعه‌ای به نام قانون بازتاب می‌یابند و به حدی از سوی آحاد یا بیشتر اعضای جامعه ارزشمند انگاشته می‌شوند که قانونگذار اجازه می‌یابد برای نقض آنها، شدیدترین پاسخ، یعنی کیفر را در نظر گیرد.

2. Deviance

ناهنجاری‌ها یا هنجارشکنی‌هایی که جامعه پاسخ خفیف‌تری را در برابر آنها اتخاذ می‌کند. آنچه با عنوان انحراف (کژروی) شناخته می‌شود، رفتاری است عرفاً ناپسند که نوعاً زمینه ارتکاب رفتارهای جنایی را نیز فراهم می‌آورد، لیکن جامعه آنقدر سرزنش‌آمیز نمی‌داند که پاسخ سرکوبگرانه کیفر را برای آن تجویز کند، بلکه ترجیح می‌دهد با اتخاذ تدابیر تنبیهی - اصلاحی به بازپروری آنها مبادرت ورزد.

3. Fault\Infraction

اجرای برخی از هنجارشکنی‌های اجتماعی به مراجع غیرقضایی واگذار شده که از آنها با عنوان تخلف یاد می‌شود. تخلف، نوعاً تخطی از نظام‌نامه‌ها یا کردارنامه‌های اداری - حرفه‌ای بشمار می‌آید.

4. Anti-social Behavior

فعل یا ترک فعلی که بیشتر اعضای جامعه آن را زیان‌بار و سزاوار اقدامات جبرانی - اصلاحی می‌دانند.

البته این مجموعه از دستورالعمل‌های رفتاری تنها به ابعاد منفی قضیه نمی‌پردازند، بلکه هم جنبه‌ی ایجابی دارند هم جنبه‌ی سلبی. بدین معنا که علاوه بر بیان محدودیت‌ها و نبایدهای رفتاری و ضمانت‌اجراهای تنبیهی که به دنبال نقض آنها اعمال خواهد شد، برای تقویت حس وظیفه‌شناسی و همچنین عوامل خودکنترلی خنثی‌کننده انگیزه‌های مجرمانه و منحرفانه، درباره‌ی مزیت‌های رفتار مسئولانه و پاداش‌های گوناگونی که در نتیجه‌ی پایبندی به مقررات و ارزش‌های حرفه‌ای سازمان فرد از آنها برخوردار خواهد شد نیز سخن خواهند گفت. برای مثال، با کدهای رفتاری به فرد یادآوری می‌شود که نقض این انتظارات ممکن است به ازدست‌دادن شغل، تنزیل درجه، جریمه‌ی مالی و سایر ضمانت‌اجراهای پیش‌بینی شده منجر شود. در برابر، با پایبندی به تعهدات شغلی، وی می‌تواند از مزایایی مانند پاداش‌ها، تسهیلات مالی، ترفیحات شغلی و غیره برخوردار شود. با گذشت زمان، ارزش‌ها و دستورالعمل‌هایی که در این کدها بر آنها تأکید شده است، در افراد نهادینه می‌شوند و در سازمان مربوطه ریشه می‌دانند (C. Gilman, 2005: 9).

گفتار دوم: محدودیت‌های کدهای رفتاری بزهدار محور

با وجود افزایش شیوع و بکارگیری کدهای رفتاری در حوزه‌های مختلف، هنوز پرسش‌هایی درباره‌ی اعتبار و ارزش این کدها باقی است. روشن است که هر سازوکار پیشگیرانه‌ای در کنار مزیت‌های ویژه‌ای که دارد، دارای کاستی‌هایی نیز می‌باشد که هنگام اجرا بیشتر خود را نشان می‌دهد. کدهای رفتاری نیز با چالش‌ها و محدودیت‌هایی رویارو هستند. برخی در مقام انتقاد، توانایی نویسنده کدها را برای در نظر گرفتن اینکه چه مسایلی برای نوشتن یک دستورالعمل رفتاری مناسب است، زیر سوال می‌برند. به علاوه، پرسش‌هایی اساسی درباره‌ی کدهای رفتاری وجود دارد که کارایی و اثربخشی آنها را به چالش می‌کشند. آیا کدهای رفتاری صرفاً بیانیه‌های حرفه‌ای پیش‌پا افتاده‌ای هستند که بطور مختصر تعهدات شغلی و ممنوعیت‌های قانونی را بازگو می‌کنند؟ آیا کدهای رفتاری نقشی در اخلاقی رفتار کردن بزهداران بالقوه دارند؟ اگر این باور وجود داشته باشد که افراد خوب خودشان می‌دانند که چگونه بدون هیچ دستورالعملی مطابق اصول اخلاقی و منطقی رفتار کنند، آیا دیگر کدهای رفتاری ضروری انگاشته می‌شوند؟ (Ibid:7)

پاسخ به این پرسش‌ها و شناسایی محدودیت‌های کدهای رفتاری و به دنبال آن رفع یا کاهش این محدودیت‌ها سبب خواهد شد کارایی این کدها افزایش یابد و تأثیرات مهم‌تری بر رفتارهای حرفه‌ای داشته باشد. در ادامه، به دو محدودیت عمده کدهای رفتاری بزهدار محور اشاره می‌شود.

بند یکم: آزادی بزهکار بالقوه با انگیزه

یکی از محدودیت‌ها و نقاط ضعف کدهای رفتاری رها گذاشتن بزهکار بالقوه با انگیزه در موقعیت بزه است. کارکرد کدهای رفتاری بویژه هنگامی که صرفاً در برانگیختن وجدان فردی نقش آفرینی می‌کنند، یک گزینش اخلاقی است و شاید در منصرف کردن کسانی که این کدها را قبول ندارند، با شکست مواجه شود. حتی در کدهای رفتاری که با تقویت آگاهی در افراد، نسبت به پیامدهای رفتارهای مجرمانه به آنها هشدار می‌دهند، بزهکار بالقوه در تصمیم‌گیری برای ارتکاب جرم آزاد است و در پایان هموست که تصمیم می‌گیرد به کدهای رفتاری پایبند باشد یا از آنها درگذرد.

از این‌رو، کدهای رفتاری به‌هیچ وجه موقعیت بزه را پاکسازی نمی‌کنند. به همین دلیل اگر موقعیت بزه که عبارتست از فرصت و فناوری جرم (ابزار و شگرد)، مهیا و سرشار از مطلوبیت‌های بزهکارانه باشد، نقش کدهای رفتاری تنها به برانگیختن پلیس باطن در بزهکار بالقوه و تحریک وی برای اتخاذ یک تصمیم درونی و شخص‌محور محدود می‌شود. به همین دلیل است که به‌رغم وجود منشورهای اخلاقی طومارگونه در نهادها و سازمان‌های گوناگون، تنها در حد یک بیانیه اخلاقی باقی می‌مانند و گاهی آگاهی‌بخشی کدهای رفتاری نسبت به ضمانت‌اجراهای کیفری و غیرکیفری نیز نمی‌تواند موجب کاهش نرخ بزهکاری در موقعیت‌های جرم‌خیز شود.

همچنین، نمی‌توان به کارایی کدهای رفتاری در خنثی کردن همه انگیزه‌های جنایی چندان امیدوار بود. بدین‌صورت که نخست با بکارگیری کدهای رفتاری بر وجدان اخلاقی بزهکاران بالقوه، بویژه آنهایی که بطور سازمان‌یافته و با انگیزه‌های جنایی محکم در پی ارتکاب جرمند، تأثیر گذاشت و سپس از گذر ارتقای سطح آگاهی افراد از ممنوعیت رفتارهای مجرمانه و پیامدهایش، آنچنان حساس‌گری‌شان را در راستای انصراف از ارتکاب جرم برانگیخت که دست از بزهکاری بکشند. به همین دلیل است که گفته می‌شود «کدهای رفتاری برای افراد بد تدوین نمی‌شود، بلکه برای افرادی تعریف می‌شود که می‌خواهند اخلاقی رفتار کنند، اما در برخی مواقع بین دوره‌ی درست و نادرست قرار می‌گیرند» (Ibid:7).

خطر یا چالش دیگری که کدهای رفتاری را تهدید می‌کند، اینست که ممکن است بجای آنکه به گزینش اخلاقی و تصمیم‌گیری درست افراد منجر شود، ایده ارتکاب جرم را در آنها تقویت کرده و مفرهای قانونی، مقرراتی و قراردادی رفتارهای مجرمانه و تخلفات را به آنها بیاموزند. براین‌اساس، نوع نگارش و محتوای کدهای رفتاری و نحوه تأثیرگذاری‌شان بر فرد از آنچنان اهمیتی برخوردارست که اگر به درستی و با رعایت استانداردها و ارزش‌ها

طراحی نشود، چه بسا که تأثیر عکس داشته باشد و در بازی با حس حساسگری بزهکار بالقوه، وی را بیشتر به ارتکاب جرم تحریک کند.

بند دوم: نبود سازوکارهای اجرایی و نظارتی

نمونه مواردی که برای آنها کدهای رفتاری بسیار خوبی تدوین شده، ولی به شکل ناکارآمد اجرا شده یا به هیچوجه اجرا نشده‌اند بسیار است. از آنجا که بسیاری از کدهای رفتاری برای حوزه‌های تخصصی پیش‌بینی می‌شوند، باید با نگاه اجرای مؤثر نیز تدوین شوند. این به معنی اجرای مؤثر یک طرح و وجود یک متولی قوی است که اجرای آن را تضمین می‌کند. راهبردهای اجرایی باید میان تمهیدات «نرم» که آگاهی از کد را تضمین و رعایت و نظارت بر نحوه اجرای آن را تشویق می‌کنند، با تمهیدات «سخت» که رویه‌های روشن و ضمانت‌اجراها را به هنگام نقض کدها به اجرا درمی‌آورند، توازن برقرار کنند. برای اجرا و اعمال مؤثر کدهای رفتاری بویژه در حوزه‌های شغلی و سازمانی ممکن است به عواملی نیازمندی‌های ذیل نیاز باشد:

نیازمندی‌های مدیریتی: بدین معنا که طراحی و تدوین یک کد باید به گونه‌ای باشد که هم «افراد درون سازمانی»^۱ که انتظار می‌رود آن را رعایت کنند و هم «افراد برون سازمانی»^۲ که از آن بهره‌مند می‌شوند، به خوبی آن را درک کنند.

نیازمندی‌های انگیزشی: ضروری است کدهای رفتاری در میان اشخاصی که از آن تأثیر می‌پذیرند و همچنین در میان عموم مردم یا بخشی از آنها که از آن بهره‌مند می‌شوند، منتشر شود تا زمینه‌های انگیزشی پایبندی به آن فراهم شود و ارتقا یابد.

نیازمندی‌های آموزشی: باید به کارکنان راجع به موضوعات سلامت و گام‌هایی که هر کارمند می‌تواند بردارد تا موجب تشویق سایر همکاران در انجام وظایفشان شود، آموزش منظم داده شود. همچنین، ضروری است به مدیران نیز نسبت به وظایف و اختیاراتشان آموزش داد و توصیه کرد که عناصر تشکیل‌دهنده و سازوکارهای اجرایی کد را محقق کنند.

نیازمندی‌های بازرسی - نظارتی: باید تمامی اشکال انگیزه‌ها و ساختارهای پاسخگویی را به کار گرفت. اتخاذ تمهیدات بازدارنده‌ای مانند نظارت گسترده و تهدید به اقدامات انضباطی، ابزارهای مؤثری در تضمین رعایت این کدها محسوب می‌شود. با این حال، آنها همواره کارآمدترین گزینه نیستند. آنهایی که مخاطب این کدها هستند نیز باید آنقدر از انگیزه‌های مثبت برخوردار باشند که به آن عمل کنند. آنهایی می‌توانند برنامه‌های آموزشی

و آگاهی‌بخش را به نتیجه برسانند که غرور و اعتماد به نفس را تلقین می‌کنند. در این راستا، باید برای انعکاس درجات بالای حرفه‌ای‌گرایی مورد انتظار، جبران‌هایی در نظر گرفته و عناصر کم مورد نظر در سازوکارهای ارزیابی گنجانیده شود.

نیازمندی‌های مشورتی: برقراری سازوکارهایی برای کارمندی که نسبت به قابلیت اجرای وظایف پیش‌بینی شده در کد تردید دارند تا بتوانند پیشاپیش نظرات خود را برای تصمیم‌گیری ارائه دهند؛ مانند آنهایی که با وظایف متعارض مواجهند، مانند محرمانه نگه داشتن اطلاعات و در عین حال تضمین شفافیت در تصمیم‌گیری، راجع به اطلاعاتی که باید افشا کنند، با چه کسانی و تحت چه شرایطی مشورت کنند.

علاوه بر این نیازمندی‌ها، نکته مهم‌تر اینست که چنانچه این کدها فقط تدوین شوند، لیکن نظارتی بر نهادینه‌شدن آنها در مخاطبان بویژه در حوزه‌های شغلی وجود نداشته باشد، هزینه و مسئولیتی که در قبال نقض این کدها بر افراد بار می‌شود، بازدارندگی و تأثیر خود را از دست خواهند داد (لانگست، ۱۳۸۷: ۳۹۷). از این‌رو، نظارت بر کدهای رفتاری را می‌توان کلید اصلی تضمین سلامت رفتاری مخاطبان آن دانست.

بخش دوم: کدهای رفتاری و پیشگیری وضعی از بزهکاری

همانطور که پیشتر اشاره شد، سرآغاز فرآیند جنایی با شکل‌گیری انگیزه جنایی همراه است و این عامل روانی با ایجاد اراده کافی در بزهکار بالقوه، او را برای پیمودن این راه آماده می‌کند. هنگامی که انگیزه جنایی در فرد بیدار می‌شود، به امکان‌سنجی فرصت‌ها^۱ و فناوری‌های^۲ جنایی در دسترس و پیش‌روی خود می‌پردازد. فرصت را می‌توان موقعیت و زمان مناسب و فناوری را ابزار و شگرد^۳ مناسب رخداد جنایی دانست که در کنار یکدیگر وضعیت جنایی^۴ را تشکیل می‌دهند. برای شناسایی وضعیت‌های جنایی باید سراغ آماج جنایی^۵ رفت که پیرامون بزه‌دیده بالقوه وجود دارد. برای مثال، هنگامی که کسی با هر انگیزه‌ای قصد کشتن دیگری را می‌یابد، به دنبال موقعیت و زمان مناسب می‌گردد که حسب مورد می‌تواند محل‌های زندگی یا کار و اوقات فراغت/کار یا شب/روز باشد و سرانجام برپایه برآوردهای خود وضعیت جناییش را ترسیم کند. بدیهی است صیانت از بزه‌دیده بالقوه

1. Opportunity
2. Technology
3. Tools & Technics
4. Criminal Situation
5. Criminal Target

نیازمند مداخله در هریک از این وضعیت‌ها و جلوگیری از تحقق قصد جنایی مرتکب است که برپایه شکل و شیوه مداخله، تدابیر پیشگیرانه وضعی گوناگونی تعریف و اجرا می‌شود. پیشگیری از بزه‌دیدگی براساس تدابیر پیشگیرانه وضعی بر چند مؤلفه اساسی استوارست. نخست آنکه، بازیگر اول تدابیر پیشگیرانه بزه‌دیده‌محور، اشخاص، اموال یا بطور کلی آماج‌هایی هستند که در یک زمان و مکان خاص در برابر بزهکار قرار می‌گیرند. دوم آنکه، اقدام‌های وضعی با هدف مصون‌سازی افراد و محیط‌های تحت اختیار آنها پیش‌بینی و اجرا می‌شوند. یکی از پیش‌شرط‌های مصون‌سازی افراد از تهدیدهای مجرمانه اینست که نخست خود آنها از خطرها و تهدیدهای موجود، فرصت‌ها، ابزارها و شگردهای مجرمانه آگاه باشند تا رفتارشان سبب فرصت‌آفرینی یا فناوری‌آفرینی برای بزهکار نگردد و در مرحله بعد با تدابیر مقابله با این تهدیدها و بطور کلی مصون‌سازی خویش نیز آشنا شوند.

در این راستا، برای آشنایی عمومی بویژه افراد آسیب‌پذیرتر با فرصت‌ها و فناوری‌هایی که ارتکاب جرم را برای آنها آسان‌تر می‌سازد، چه ابزاری بهتر از کدهای رفتاری که با خاصیت آگاهی‌بخشی خود بتواند به بزه‌دیدگان بالقوه زنه‌ار دهد تا از روی ناآگاهی و کم‌اطلاعی، خود را در موقعیت‌های جرم‌خیز و پرخطر قرار ندهند. اگرچه به‌نظر می‌رسد کدهای رفتاری عموماً برای بزهکاران بالقوه و با هدف بازداري آنها از روآوری به بزهکاری تدوین می‌شوند، لیکن از این ظرفیت می‌توان برای بزه‌دیدگان بالقوه نیز بهره‌برداری و به آنها تهدیدهای پیش‌رویشان را گوشزد کرد. در ادامه برای شناخت بیشتر کدهای رفتاری در پیشگیری از بزه‌دیدگی کارکردها و محدودیت‌های آن بررسی می‌شود.

گفتار یکم: کارکردهای کدهای رفتاری اثرگذار بر بزه‌دیده

افزایش سطح آگاهی و هشدار به بزه‌دیدگان بالقوه برای جلوگیری از قربانی‌شدن آنها با ارائه آموزش‌های لازم در زمینه حقه‌های رایج، تدابیر امنیتی و بطور کلی نحوه حفاظت از خود در محیط‌هایی که احتمال بزه‌دیدگی در آنها بیشتر است، از اقداماتی است که در پرتو کدهای رفتاری موجب کاهش احتمال وقوع جرم می‌شود. تاثیر کدهای رفتاری از این جهت است که به اشخاصی که به دلیل ویژگی‌های ذاتی (مانند زنان یا کودکان) یا اکتسابی (مانند اشتغال به حرفه‌ای خاص) نسبت به سایرین دارای آسیب‌پذیری‌های بیشتری هستند، درباره تهدیدها و سوءاستفاده‌های پیش‌رویشان هشدار می‌دهد تا با اتخاذ تدابیر مناسب امنیتی زمینه‌های بزه‌دیدگی‌شان از بین ببرند و در اثر ناآگاهی، آماج رفتارهای بزه‌کارانه قرار نگیرند. این هشدارها گاه در جهت آشنایی بزه‌دیدگان بالقوه با عوامل پدیدآورنده جرم است که هم شامل آشنایی با انگیزه‌های مجرمانه است تا افراد بدانند که چه رفتارها و بی‌احتیاطی‌هایی ممکن است به برانگیخته شدن انگیزه‌های مجرمانه بزهکاران بالقوه بیانجامد و هم شامل

شناخت موقعیت‌های جنایی می‌شود که افراد را از فرصت و فناوری‌های جنایی آگاه می‌سازد. به علاوه، کارکرد زنده‌دهنده کدهای رفتاری گاه به هشدار دربارهٔ مسئولیت‌های احتمالی ناشی از بزه‌دیدگی نیز مربوط می‌شود.

بند یکم: آگاهی دربارهٔ عوامل پدیدآورندهٔ جرم

بر پایهٔ مطالعات جرم‌شناسانه و بویژه از منظر بزه‌دیده‌شناسی، در بسیاری از موارد شخص بزه‌دیده بطور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتکاب جرم نقش‌آفرینی می‌کند. ممکن است رفتار وی عاملی برای تحریک انگیزهٔ بزهکار باشد یا فرصت و فناوری ارتکاب جرم را برای وی فراهم کند یا آن را آسان سازد. نقش کدهای رفتاری در پیشگیری از بزه‌دیدگی به اینصورت است که از یکسو بزه‌دیدگان بالقوه با انگیزه‌های جنایی آشنا می‌کند و از سوی دیگر دربارهٔ موقعیت‌های جنایی به آنها هشدار می‌دهد.

در رابطه با آشنایی با انگیزه‌های جنایی باید گفت که نقش بزه‌دیدگان هم در شکل‌گیری انگیزه‌های مجرمانه و هم در ازبین‌بردن آنها غیرقابل انکار است. شناخت انگیزه‌های مجرمانه همانقدر که در مطالعات پیشگیری اجتماعی برای تأثیر بر روی شخصیت بزهکار و تلاش برای خنثی‌کردن آنها حائز اهمیت است، از نقطه‌نظر آموزه‌های پیشگیری وضعی نیز می‌تواند موردتوجه قرار گیرد. آگاهی بزه‌دیدگان از انگیزه‌های جنایی می‌تواند بر توانمندی آنها در حفاظت از خود و برنامه‌ریزی برای بکارگیری ابزارهای امنیتی نقش قابل‌توجهی را بازی کند.

براین‌اساس، رفتار بزه‌دیدگان هم می‌تواند موجب برانگیخته شدن انگیزه‌های بزهکار بالقوه شود و هم می‌تواند از شکل‌گیری آنها جلوگیری کند. وظیفه کدهای رفتاری این است که آگاهی بزه‌دیدگان را از این انگیزه‌ها افزایش و هشدارهایی در جهت خودداری از تحریک این انگیزه‌ها به بزه‌دیدگان بالقوه ارائه دهد. برای مثال، یکی از بارزترین شکل‌های نقش‌آفرینی بزه‌دیده در ایجاد انگیزه مجرمانه به بزه‌دیدگی بنگاه‌ها و شرکت‌ها پس از اخراج کارمندان و بروز انگیزه‌های کینه‌توزانه آنها مربوط می‌شود. کارمندان اخراج‌شده که خود را متضرر و قربانی تصمیمات ظالمانه می‌بینند، سعی می‌کنند پیش از اخراج از محل خدمت خود، هر اندازه که می‌توانند به اطلاعات تحت اختیار خود لطمه وارد کنند و کپی‌هایی از داده‌های واجد ارزش را با خود ببرند. نکته مهم آن است که از آنجا که این اقدامات لزوماً با انگیزه کسب منافع مالی همراه نبوده و کاملاً جنبه انتقام‌جویانه دارند، لذا لطمات بسیار بیشتری به آن موسسه یا بنگاه اقتصادی وارد می‌کنند. در چنین وضعیتی، به کارفرمایان و مدیران بنگاه‌های اقتصادی توصیه می‌شود در صورت تصمیم به اخراج یک یا چند تن از

کارکنانشان شتابزده عمل نکنند و با برنامه‌ریزی و دور کردن و مصون‌سازی آماج‌های در اختیار آنها، زمینه جدایی بدون آسیب آنها را از مجموعه فراهم آورند.

در کنار آشنایی با انگیزه‌های جنایی، شناخت موقعیت‌های جنایی نیز یکی دیگر از آموزه‌هایی است که از گذر کدهای رفتاری به بزه‌دیده اعطا می‌شود. موقعیت جنایی را می‌توان وضعیتی تعریف کرد که شرایط برای ارتکاب جرم مساعد بوده و عامل بازدارنده مؤثری برای ممانعت از تحقق آن وجود نداشته باشد (محمدنسل و اشراقی، ۱۳۸۸: ۷۹). در یک تقسیم‌بندی نوین، موقعیت جنایی به فرصت و فناوری ارتکاب جرم (شامل ابزار و شگرد) تقسیم می‌شود. منظور از فرصت ارتکاب جرم، هر موقعیتی است که محیط مهیای بزه‌کاری به شمار می‌آید و شامل زمان ارتکاب جرم (مانند روز، شب، اوقات اداری یا غیراداری، تعطیل یا غیرتعطیل) و مکان ارتکاب جرم (مانند درون/برون‌شهری، آپارتمانی/خیابانی، فیزیکی/سایبری، درون/برون‌سازمانی و عمومی/غیرعمومی) است. فرصت ارتکاب جرم که در شناسایی موقعیت‌های بزه‌دیدگی مورد توجه جرم‌شناسان قرار می‌گیرد، عموماً برای حقوق‌دانان و قانونگذار کیفری جایگاه و اهمیتی ندارد و تنها در محدود مواردی از اجزای تشکیل‌دهنده عنصر مادی جرایم به‌شمار آمده که نمونه آشکار آن انواع سرقت‌های موجب تعزیر است. این درحالی است که در مجموعه پژوهش‌های جرم‌شناسی، شناسایی فرصت‌های جرم‌زا و خنثی‌سازی آنها نقش بسزایی در کاهش جرایم دارد.

بنابراین، نقش بزه‌دیده در ایجاد فرصت جرم یا سلب آن از منظر آموزه‌های پیشگیری وضعی حائز اهمیت است. بطوریکه به باور عبدالفتاح، بزه‌دیده صرفاً یک آماج منفعل جرم نیست که بتوان او را طعمه‌ای در چنگال غارتگران مهاجم تصور کرد؛ چه بسا رفتار بزه‌دیده فرصت ارتکاب جرم را برای بزه‌کار فراهم کند (محمدنسل و اشراقی، ۱۳۸۸: ۹۰) و چه بسا این کوتاهی از سر ناآگاهی و کاستی دانش لازم باشد. رسالت کدهای رفتاری در رشد آگاهی بزه‌دیدگان از فرصت‌های مجرمانه در چنین وضعیت‌هایی روشن می‌شود.

در پایان، فناوری ارتکاب جرم، عاملی است که شامل ابزار ارتکاب جرم (مانند سلاح‌های سرد و گرم، فناوری‌های نوین) و شگرد ارتکاب جرم (مانند خشونت‌آمیز بودن، سازمان‌یافتگی، گستردگی، یقه‌سفیدی) می‌شود. اگرچه این عامل در مواردی توجه قانونگذار کیفری را به خود جلب کرده و حتی در مواردی مبنای کیفرگذاری‌های بسیاری از جرایم به اصطلاح مانع^۱ نیز قرار گرفته است، لیکن در بیشتر موارد، همانند فرصت ارتکاب جرم نقشی

در تحقق مسؤولیت کیفری ندارد؛ حال آنکه باید به عنوان یکی از علل اصلی وقوع جرم مورد توجه قرار گیرد و قاعدتاً در صورت برچیدن یا کاهش دسترسی به آنها، نقش انکارناپذیری در کاهش جرایم ایفا خواهد کرد.

با توجه به این توضیحات، روشن است که بزه‌دیده هم می‌تواند با فراهم نمودن فرصت یا ابزار ارتکاب جرم از روی ناآگاهی یا سهل‌انگاری موجبات بزه‌دیدگی‌اش را ایجاد کند و هم با ناآگاهی از شگردهای مجرمانه خود را در مسیر رویارویی با آنها قرار دهد و با واکنش نامناسب، بزه‌کار را به غایت مجرمانه خویش برساند.^۱ بی‌تردید، ناآشنایی، سهل‌انگاری و ناآگاهی بزه‌دیدگان بالقوه از موقعیت‌های جرم‌ساز بر آسیب‌پذیری بیشتر آنها می‌افزاید. در اینجا رسالت اصلی کدهای رفتاری شناساندن این آسیب‌پذیری‌ها و آموزش نحوه رویارویی و واکنش درست در برابر آنهاست. امروزه پیش‌بینی و تدوین کدهای رفتاری برای حفاظت از گروه‌های آسیب‌پذیرتر، مانند کودکان و زنان، یکی از راهکارهایی است که رواج بسیاری یافته است. برای مثال، برای افزایش آگاهی کودکان از خطرهای فضای سایبر و لزوم کنترل خطرپذیری آنها در گشت‌وگذارهای سایبری به والدین توصیه می‌شود که نحوه کاربری فرزندان خود از ابزارهای رسانه‌ای، ارتباطی و رایانه‌ای را در قالب یک کد رفتاری تنظیم و راجع به قواعد و انتظارات استفاده از اینترنت در منزل به بحث و تبادل نظر بنشینند. والدین می‌توانند دستورالعمل‌هایی مطابق سن کودک بروی کاغذ آورده‌و به او بفهمانند که هنگام وبگردی چه کارهایی را می‌تواند و چه کارهایی را نمی‌تواند انجام دهد. بهتر است این شیوه‌نامه‌ها مطابق یک قرارداد تنظیم شود و بعد از تفهیم کودک، به او داده شود تا امضاء کند و با اجرای آن نیز موافق باشد.^۲

برای مثال جرم‌انگاری برخی انحرافات مانند تکدی‌گری و ولگردی. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: «جرایم مانع (بازدارنده)»؛ زمستان ۱۳۸۳؛ بابایی، محمدعلی؛ حبیب زاده، محمدجعفر؛ نجفی ابرندآبادی، علی-حسین؛ نشریه مدرس علوم انسانی؛ شماره ۳۷.

۱. برای کاهش فرصت تعرض به بزه‌دیدگان یا سیبل‌های بالقوه از بزه‌کاران بالقوه، الگوهای مختلفی از سوی جرم‌شناسان ارائه شده که یکی از کامل‌ترین آنها مدل ۱۶گانه کلارک، جرم‌شناس معروف انگلیسی است که در قالب چهار گروه مطرح شده است. برای مطالعه این الگو، بنگرید: صفاری، علی، ۱۳۸۰، «مبانی نظری پیشگیری وضعی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴.

۲. موضوعاتی که می‌توانند در کدهای رفتاری برای کودکان پیش‌بینی شوند، عبارتند از: (۱) زمان کاربری اینترنتی؛ (۲) مدت کاربری اینترنتی؛ (۳) رعایت حقوق دیگران؛ (۴) احتیاط در ارائه اطلاعات شخصی به دوستان اینترنتی؛ (۵) بایدها و نبایدهای به اشتراک‌گذاری اطلاعات؛ (۶) کارهایی که باید هنگام رویارویی با مشکلات انجام داد (جلالی فراهانی، ۱۳۸۴: ۵۶).

بند دوم: آگاهی دربارهٔ مسئولیت‌های احتمالی ناشی از بزه‌دیدگی

همان‌اندازه که بزه‌دیدگی موجبات حمایت از افراد و تلاش برای جبران خسارتشان را به همراه دارد، ممکن است در مواردی برای افراد مسئولیت‌زا نیز باشد. این مسئولیت‌ها حسب مورد شامل مسئولیت‌های کیفری، مدنی و قراردادی می‌شود. برای مثال، یکی از نمونه‌های رایج بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی مأموران دولتی یا کارمندان سازمان‌ها در انجام وظایف مربوط به حفظ امنیت اطلاعات محرمانه می‌شود. بطور کلی، قانونگذار در ماده (۵۰۶) قانون مجازات اسلامی، مأمورین آموزش‌دیدهٔ دولتی را که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده‌اند و به دلیل بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی می‌شوند، به یک تا شش‌ماه حبس محکوم می‌کند. این ممنوعیت در قانون جرایم رایانه‌ای در ارتباط با مسئولیت در قبال بزه‌دیدگی رایانه‌ای و حفاظت از داده‌های سری با شدت بیشتری اعمال شده است. طبق ماده (۵): «چنانچه مأموران دولتی که مسئول حفظ داده‌های سری مقرر در ماده (۳) این قانون یا سیستم‌های مربوط هستند و به آنها آموزش لازم داده شده است یا داده‌ها یا سیستم‌های مذکور در اختیار آنها قرار گرفته است، بر اثر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم رعایت تدابیر امنیتی موجب دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده‌ها، حامل‌های داده یا سیستم‌های مذکور شوند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات و انفصال از خدمت از شش‌ماه تا دو سال محکوم خواهند شد».

برپایه این مواد پیگرد کیفری اشخاص برشمرده در صورتی امکان‌پذیرست که به آنها آموزش لازم داده شده باشد. چرا که در این صورت است که تحمیل مسئولیت کیفری بر آنها موجه و بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی از سوی آنها ناروا خواهد بود. بدیهی است تدوین و ابلاغ کدهای رفتاری از یک‌سو اثبات چنین رفتارهایی را آسان و از دیگر سو از انتساب اتهام‌های ناروا بر کارکنان جلوگیری می‌کند.

همچنین، در کدهای رفتاری ناظر بر مسئولیت قراردادی بیشتر بر روابط بنگاهی و سازمانی تأکید شده و ضمانت‌اجراهای قراردادی به کار می‌رود. بدین صورت که مسئولیت کارمندان در برابر کارفرمایان،^۱ مسئولیت بنگاه‌ها در برابر یکدیگر^۲ و مسئولیت بنگاه‌ها در برابر مشتریان^۳ بررسی و تبیین می‌شوند.

1. Employer-Employees
2. Enterprise-Enterprise
3. Business-Customers

گفتار دوم: محدودیت‌های کدهای رفتاری بزه‌دیده‌محور

بسیاری بر این باورند که این کدها گزاره‌های اخلاقی هستند که در مقام بیان الزامات رفتاری همانند یک آیین‌نامه حرفه‌ای عمل می‌کنند و افراد را برمی‌انگیزند تا به آداب و اصول اخلاقی و حرفه‌ای پایبند باشند. هنگامی که از اخلاقیات در محیط‌های حرفه‌ای سخن گفته می‌شود، باورهای نادرستی درباره آن شکل می‌گیرند. برای مثال، معمولاً اخلاق با اعتقادات پیوند می‌خورد و به عنوان یک موضوع پیشگیرانه درک نمی‌شود. در حالی که هدف کدهای رفتاری و اخلاقی تغییر باور و ارزش‌های موجود نیست، بلکه هدف مدیریت و تقویت این ارزش‌هاست. پیش‌بینی الگوهای اخلاقی نمونه و رفتارهای مسئولانه سبب اولویت‌بندی ارزش‌ها و اصول پذیرفته‌شده محیط اجتماعی می‌شود تا بر اساس آن، ضوابط رفتاری هر سازمان تعریف شود.

با این حال، همانند دیگر سازوکارهای پیشگیرانه، کدهای رفتاری بزه‌دیده‌محور نیز محدودیت‌ها و کاستی‌هایی دارند. در ادامه به دو محدودیت اصلی کدهای رفتاری بزه‌دیده‌محور اشاره می‌شود.^۱

بند یکم: نبود فرهنگ پذیرش کدهای رفتاری

یکی از چالش‌های اصلی کدهای رفتاری این است که هنوز به عنوان یک ابزار توانمند برای پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی پذیرفته نشده است. از آنجا که مفهوم و کارکرد این کدها تا اندازه‌ای ناشناخته و مبهم است، پذیرش آنها به زمان نیاز دارد و ضروری است از همه ابزارهای آگاهی‌بخش و اطلاع‌رسانی بویژه رسانه‌ها نسبت به پذیرش فراگیر آنها اهتمام شود. برای آنکه یک فرهنگ درست نهادینه و یا جایگزین فرهنگ نادرست شود یا اصلاحاتی در آن رخ دهد تا در مسیر فرهنگ سازنده و مثبت قرار گیرد، لازم است نسبت به ظرفیت‌ها و امکانات و فلسفه وجودی پدیده‌های نوظهور اطلاع‌رسانی دقیق و کامل انجام پذیرد. تبیین

۱. محدودیت‌هایی که برای بزهکاران و بزه‌دیدگان بالقوه برشمرده شده‌اند، برپایه نگاه عمومی‌شان به کدهای رفتاری شناسایی شده‌اند. نوع مسئولیت این دو گروه در صورت پایبند نبودن به کدها یکسان نیست و پیامدهای متفاوتی نیز رخ خواهد داد. لذا نباید اینگونه استنباط شود که این ابزار را می‌توان به یک شکل برای هر دو گروه به کار برد. برای مثال، انفعال در برابر کدها در میان گروه‌های بزه‌دیدگی به مراتب بیشتر از گروه‌های بزهکاری است و به همین دلیل باید در فرهنگ‌سازی سرمایه‌گذاری بیشتری کرد. اما از سوی دیگر، احتمال سرپیچی از کدها در میان گروه‌های بزهکاری بیشتر است و به همین دلیل برای کارایی و اثربخشی کدها باید سازوکارهای کنترلی و نظارتی دقیقی را فراهم آورد. هرچند اذعان می‌شود در مواردی هم‌پوشانی‌هایی وجود دارد که بهره‌گیری از تجربه‌های مشترک دو گروه می‌تواند بسیار سودمند باشد.

آثار و فواید هر سازوکار در مقام اطلاع رسانی و تبلیغ، خود عاملی مهم در فرهنگ‌سازی ارزشی و مثبت است. با این حال، چنین کاری در حوزه‌های نوپدید اجتماعی می‌تواند با افراط و تفریط‌هایی همراه شود؛ به این معنا که یا هشدارها بیش از حد جدی انگاشته شده و حتی متولیان، مجریان و کاربران را از نزدیک شدن به آن پدیده ناشناخته یا نوآورانه بازدارد و به این ترتیب آنها خود را از سودمندی‌های آن محروم کنند؛ یا اینکه هشدارها به هیچوجه جدی انگاشته نشود و یک بی‌پروایی و جسارت ناآگاهانه و بسیار خطرناک شکل گیرد. در اینجا فرد روحیه ماجراجویانه می‌یابد و با پذیرش خطرهای ناشناخته به آغوش تهدیدهایی می‌رود که معلوم نیست چه میزان آسیب مادی و یا معنوی برای خود یا نزدیکانش در پی دارد.^۱

وجود فرهنگ کاربری از یک ابزار یا پدیده، به این معنا که با تهدیدها، آسیب‌ها و مسئولیت‌های آن آشنا باشیم و از عوامل پدیدآورنده آن دوری کنیم، به یکباره و در پی ورود آن به جامعه شکل نمی‌گیرد و رواج نمی‌یابد؛ بلکه نیازمند گذر زمان و فراهم آمدن ملزومات گوناگون است؛ لیکن تا رسیدن به این حد از فرهنگ پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری ضروری است این دوره گذار مدیریت منطقی و متعارف طی شود تا به تدریج آموختنی‌ها آموخته و فراگرفتنی‌ها فراگرفته شود. فرهنگ‌سازی برای کدهای رفتاری سبب می‌شود تا کدهای رفتاری جدی‌تر تلقی شده و حتی به آن به عنوان یک قرارداد اجتماعی نگریسته شود.

۱. فضای سایبر نمونه آشکارچنین پدیده‌ای است. از یک‌سو، به رغم گذشت دو دهه، نسل بزرگسالی که دیگر از سن مانوس شدن با پدیده‌های نوآورانه گذر کرده‌اند را با یک هراس فناورانه (Technophobia) روبرو کرده است. هرچند گسترش فراگیر ابزارهای گوناگون ارتباطی و رایانه‌ای و وابستگی اموراجتماعی به این ابزارها آنها را واداشته تا حدی برای نهراس خویش چیره شوند؛ اما همچنان از آزمون داوطلبانه و خودسرانه دستاوردهای نوین فناورانه پرهیز و به اصطلاح به همان ضرورت‌ها و حداقل‌ها بسنده می‌کنند. از سوی دیگر، گروه بزرگی که بیشتر آنها را نسل جوان تشکیل می‌دهد، پیشگام آزمون و خطاهای فناورانه گوناگون می‌شوند و از آنجا که این دنیای جدید با وصف مجازی همراه شده، تا آنجا که به نادرستی در نصوص گوناگون مصوبات قانونی مقرراتی بازتابی افته، بی‌پروایانه‌تر در پی ماجراجویی‌های پردرد سرند و از هزینه‌کرد داشته‌های مادی و معنوی خویش هراسی ندارند، چرا که می‌پندارند آنچه رخ می‌دهد مجازی است و چیزی برای از دست‌دادن ندارند. روشن است که نمایان کردن واقعیت‌های فضای سایبر برای هردو گروه بالا به دلیل نبود یا نهادینه‌نشدن فرهنگ سایبری کار آسانی نیست و شاید برای اثربخش شدن کدهای رفتاری بزه دیده محور سایبری نیاز باشد کارهای فرهنگ ساز پایه‌ای‌تری به انجام رسد و سپس اینگونه کدها با رویکرد خاص و تخصصی خود تدوین و ابلاغ شوند. در غیر اینصورت نمی‌توان و نباید انتظار داشت که چنین هشدارهایی جدی انگاشته شوند، چرا که آنچه نمایان است شدت و جدیت موضوعاتی را که در کدهای رفتاری بازتابی افتها نشان نمی‌دهد.

بند دوم: نبود حس از خود دانستن^۱ کدهای رفتاری از سوی مخاطبان

هنگامی که از کدهای رفتاری برای ساماندهی رفتار فعالان یک حوزه شغلی خاص و بویژه کارکنان متخصص سازمان‌های مختلف سخن گفته می‌شود، عمده چالشی که بر کدهای رفتاری بار می‌شود، نبود حس از خود دانستن کدهای رفتاری از سوی مخاطبان است. به دیگر سخن، هنگامی که بایدها و نبایدهای رفتاری به عنوان اخلاق حرفه‌ای به یک کارمند ارائه می‌شود تا از بزه‌دیدگی نهاد مربوطه پیشگیری شود، از آنجا که در بیشتر موارد خود کارمندان مستقیماً از این بزه‌دیدگی زیان نمی‌بینند، از زیر بار مسئولیتی که در آن کدها به آنها اشاره شده نیز طفره می‌روند؛ چرا که خود را مخاطب اصلی کدهای رفتاری نمی‌دانند. این امر بویژه در رابطه با کارکنان خدمات دولتی بیشتر خود را نشان می‌دهد، زیرا حس از خود دانستن اموال و دارایی‌های عمومی به مراتب کمتر از اموال و دارایی‌های بخش خصوصی است و کارکنان بخش دولتی به مراتب آسان‌تر و بی‌پروایانه‌تر از کارکنان بخش خصوصی از منابع خویش هزینه می‌کنند و همچنین کمتر از آنها از مسئولیت‌ها و پیامدهای احتمالی پیش‌رویشان می‌هراسند.

به این ترتیب، در اینجا دو مشکل اساسی وجود دارد. نخست آنکه هم کارکنان بخش عمومی/دولتی و هم خصوصی/غیردولتی از حس از خود دانستن مطلوبی نسبت به دارایی‌های در اختیارشان برخوردار نیستند؛ و دوم آنکه این حس در میان کارکنان بخش عمومی نسبت به کارکنان بخش خصوصی به مراتب ضعیف‌تر است. برای اثبات این ادعا کافی است میزان سوءاستفاده‌های ارادی یا اتلاف غیرارادی منابع عمومی در نظام تدارکات عمومی^۲ (مناقصات و مزایدات) با نظام مشابه آن در بخش خصوصی مقایسه شود. این درحالی است که در اینجا نظام حاکمیت ملی تدابیر بسیار سختگیرانه‌ای را پیش‌بینی و دستگاه‌های نظارتی گوناگونی را مسؤول حسابرسی و بازرسی‌های پیش‌بینی و پس‌بینی هزینه‌های عمومی کرده است.^۳

بدیهی است همین تدابیر، البته به شکل‌های دیگر در بخش غیردولتی نیز جاری است تا از بروز سوءاستفاده‌ها و اتلاف‌ها جلوگیری شود، اما این نگاه به‌هیچ‌وجه به اندازه حوزه

1. Sense of Ownership
2. Public Procurement

۳. در کشورمان، سازمان بازرسی کل کشور طبق اصل یکصد و هفتاد و چهارم مسئولیت نظارت پیش‌بینی و دیوان محاسبات کشور طبق اصل پنجاه و هفتم مسئولیت نظارت پس‌بینی را به‌عهده دارند. ضمن اینکه دستگاه‌های دیگری مانند سازمان حسابرسی مستقر در وزارت اقتصاد و دارایی از وظیفه مشابهی برخوردار است. همچنین قوانینی مانند قانون برگزاری مناقصات روند تأمین نیازمندی‌های عمومی را پیش‌بینی کرده است.

عمومی سختگیرانه نیست که این خود آسیب‌پذیری بیشتر آن را نمایان می‌سازد. لذا به همین نسبت باید در تدوین کدهای رفتاری حساسیت و ملاحظات لازم اعمال گردد تا دست‌کم در کارکنان بخش عمومی به اندازه کارکنان بخش خصوصی این حس برانگیخته و هرگونه قصور یا تقصیری در ایفای شایسته وظیفه محوله‌مسماری جدی و مسئولیت‌پذیری را در فرد پدید آورد.

۲. نتیجه‌گیری:

همانطور که در مقدمه اشاره شد، سرآغاز یک پدیده جنایی با شکل‌گیری یک انگیزه جنایی همراه است. انگیزه‌ای که در پی وضعیت جنایی مطلوب خویش است تا با دست‌یافتن به آن و پیدایش قصد و اراده لازم، رفتار یا ترک رفتار جنایی ارتکاب یابد. این فرایند که در بزه‌های مختلف، مراحل کوتاه و دراز متفاوتی را می‌پیماید، بحث اصلی جرم‌شناسان و متخصصان پیشگیری از جرم را تشکیل می‌دهد.

بدیهی است کارآمدترین و اثربخش‌ترین تدبیر پیشگیرانه، آن است که بتواند سرآغاز این فرایند را هدف‌گیری و از شکل‌گیری آن پیشگیری کند که عبارت است از انگیزه جنایی. از یک نگاه، می‌توان عوامل پدیدآورنده انگیزه جنایی را به دو دسته تقسیم کرد: عوامل برون‌جنایی و عوامل درون‌جنایی. منظور از عوامل برون‌جنایی، شرایط و اوضاع و احوالی است که نه تنها مرتکب بالقوه، بلکه سایر افراد نیز در آن قرار می‌گیرند، لیکن به دلیل شکل‌گیری سایر شرایط مؤثر، وی خود را داوطلب پیمودن فرایند جنایی می‌کند. برای مثال فقر، فاصله طبقاتی، تبعیض و نظایر آن پدیده‌هایی هستند که بسیاری از افراد جامعه را آزار می‌دهند، اما به‌راستی چند درصد آنها مرتکب جرم می‌شوند؟ همچنین، حس‌های رذیله‌ای مانند زیاده‌خواهی، حسد و انتقام در همه افراد وجود دارد، اما آیا همگی به آنها مجال بروز می‌دهند؟

در کنار عوامل برون‌جنایی، عوامل درون‌جنایی انگیزشی را می‌توان عوامل پدیدآورنده و برانگیزاننده وضعیت جنایی دانست که در اینجا بزه‌دیدگان بالقوه نقش تعیین‌کننده‌ای را در پیدایش و پرورش و یا برعکس، در از بین بردن و کاستن آنها ایفا می‌کنند. یک بزه‌دیده بالقوه که سپر امن و مطمئنی را در برابر تهدیدهای جنایی احتمالی بزهکاران پدید می‌آورد، قطعاً در محاسبه هزینه - فایده بزهکاران بالقوه تأثیرگذار خواهد بود.

امروزه رسالت بزرگ آشنایی با پیامدهای ناروای روآوری و پرورش عوامل بیرونی جنایی و آسیب‌های ناشی از نادیده‌نگاری تهدیدهای عوامل درونی جنایی برای بزهکاران و بزه‌دیدگان بالقوه به کدهای رفتاری واگذار شده است. این کدها به بزهکاران بالقوه می‌آموزند

در صورت پاسخ مثبت به حس‌های شوم وجودشان یا تسلیم‌شدن در برابر مشکلات زندگی و روآوری به بزهکاری برای جبران شکست‌ها یا پیمودن پرشتاب‌تر مسیر زندگی با چه پیامدهایی روبرو خواهند شد و ممکن است داشته‌های به مراتب با ارزش‌تری چون آزادی، آبرو یا مال خویش را از دست بدهند یا حتی در پی اجرای کیفر جسم آنها نیز آسیب ببینند. از سوی دیگر، بزه‌دیدگان بالقوه، بیشتر با آن دسته از وضعیت‌های جنایی آشنا می‌شوند که از نگاه آنها دور مانده و با آنها ناآشنایند؛ بویژه از رفتارها و ترک رفتارهایی آگاهی می‌یابند که بر روند شکل‌گیری انگیزه جنایی تأثیرگذارست و گرایش بزهکار بالقوه را بر بهره‌گیری از وضعیت جنایی پیش‌رویش بیشتر می‌کند. در اینجا بویژه دو گروه مخاطب اصلی اینگونه کدها قرار می‌گیرند: آنهایی که به دلیل برخورداری از ویژگی‌های ذاتی یا اکتسابی در برابر برخی بزه‌ها آماج اصلی به‌شمار می‌آیند؛ و آنهایی که حرفه آنها اساساً سیانت از آماج بالقوه در اختیارشان است. این دو گروه از مخاطبان اصلی و همیشگی کدهای رفتاری بزه‌دیده‌محور به‌شمار می‌آیند.

با این حال، هریک از کدهای رفتاری بزهکارمحور و بزه‌دیده‌محور با محدودیت‌های گوناگونی روبرویند که می‌توانند بر کارایی و اثربخشی آنها تأثیر قابل توجهی بگذارند. بخشی از این محدودیت‌ها به مخاطبان کدها برمی‌گردد که برای زدودن این نارسایی، باید برنامه‌های ویژه‌ای برای آگاهی و پایبندی آنها فراهم آید. بخش دیگر به محیط تحت شمول کدهای رفتاری، عوامل تصمیم‌گیر، دست‌اندرکار و تأثیرگذار آن و امکانات موردنیاز مربوط می‌شود. اندیشه در هریک از این نیازمندی‌ها آشکارا نشان می‌دهد که نباید و نمی‌توان انتظار داشت که تنها با تدوین و ابلاغ کدهای رفتاری و امضا و اعلام پایبندی مخاطبان، منتظر تحولات پیشگیرانه چشمگیر و کاهش رخدادهای جنایی بود. کدهای رفتاری سرآغاز یک راهبرد جنایی است که اگر ساده‌انگارانه، صوری یا تشریفاتی با آن برخورد شود، می‌تواند پیامدهای به مراتب ناگوارتری را به‌همراه داشته باشد و بویژه اعتماد جامعه را نسبت به اراده و پایبندی گروه دست‌اندرکار کد رفتاری متزلزل سازد یا حتی از بین ببرد.

۳. منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰)، *جرم‌شناسی پیشگیری*، جلد یکم، چاپ یکم، تهران: نشر میزان.
۲. الوانی، سید مهدی و رحمتی، محمدحسین (۱۳۸۶)، «فرایند تدوین منشور اخلاقی برای سازمان»، *فصلنامه فرهنگ مدیریت*، سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۷۰-۴۳.

۳. جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۴)، **پیشگیری از جرایم رایانه‌ای**، پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد، دانشگاه امام صادق.
۴. حمیدیان، محمود (۱۳۸۵)، «تدوین و اعمال آیین‌نامه اخلاقی (ICT) به روش مباحثه، مشاوره و بازخورد»، مجموعه مقالات دومین همایش منطقه‌ای اخلاق و فناوری اطلاعات، چاپ‌اول، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات مخابرات ایران.
۵. ذوالقدر، محمد باقر و جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۹۱)، **از آمار جنایی تا اطلس جنایی**، از مجموعه مقالات رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، جلد نخست، چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
۶. صدر توحیدخانه، محمد (۱۳۸۳)؛ «کدهای باستانی و قداست‌بخشی به آنها»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۴۷، صص ۱۸۰-۱۵۹.
۷. غلامی، حسین (۱۳۸۲)، «الگوی کیفری و ارزیابی انتقادی آن»، **نامه مفید**، شماره ۴۰، صص ۱۴۰-۱۰۹.
۸. فضلی، مهدی (۱۳۸۹)، **مسئولیت کیفری در فضای سایبر**، چاپ یکم، تهران: انتشارات خرسندی.
۹. لانگست، پیتر و دیگران (۱۳۸۷)، **برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد**، ترجمه جلالی-فراهانی، امیرحسین و بهره‌مند بگ‌نظر، حمید، چاپ یکم، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۰. لشگربلوکی، مجتبی (۱۳۸۷)، «چارچوب تدوین ارزش‌ها و اخلاق حرفه‌ای پژوهش‌های علمی و فناوری»، **فصلنامه اخلاق در علوم فناوری**، سال سوم، شماره ۱ و ۲، صص ۱۱۴-۱۰۵.
۱۱. محمدنسل، غلامرضا و اشراقی، مهرداد (۱۳۸۸)، «نقش موقعیت در بزهکاری»، **فصلنامه انتظام اجتماعی**، سال یکم، شماره سوم، صص ۱۰۲-۷۹.
۱۲. محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۸)، «حمایت کیفری از اخلاق»، **علوم جنایی** (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، صص ۷۸۱-۷۶۴.
۱۳. منفرد، محبوبه (۱۳۹۱)، «پیشگیری از جرایم رایانه‌ای از گذر کدهای رفتاری»، پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد، اصفهان: دانشگاه غیرانتفاعی شهید اشرفی اصفهانی.
۱۴. مهدوی، محمود (۱۳۹۰)، **پیشگیری از جرم (پیشگیری رشدمدار)**، چاپ یکم، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۵. نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۰)، **دانشنامه جرم‌شناسی**، چاپ دوم، انتشارات کتابخانه گنج دانش.

۱۶. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۴)، تحلیل مبانی حقوق جزا، چاپ دوم، تهران: مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۷. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۰)، گفتارهای حقوق جزای عمومی (تقریرات)، تنظیم امیر حسین جلالی فراهانی؛ دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۸۰-۱۳۷۹)، تقریرات درس جرم‌شناسی، تنظیمی محمد علی بابایی، دوره دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۹. ویلیامز، ماتیو (۱۳۹۱)، بزهکار مجازی: بزه، انحراف، مقررات‌گذاری برخط، ترجمه جلالی فراهانی، امیرحسین و منفرد، محبوبه، چاپ یکم، تهران: نشر میزان.

الف. خارجی:

1. C. Gilman, Stuart (2005), Ethics Codes and Codes of Conduct as Tools for Promoting an Ethical and Professional Public Service: Comparative Successes and Lessons, Washington, DC.